چارچوبهایی برای ایجاد و ارزیابی کنترلهای داخلی

دکتر رضا نظری
محمد صیادی

مقدمه

سرعت رشد فعالیت شرکتها و همچنین اعمال کنترلهای عملیاتی و مالی جهت تداوم رشد و توسعه، از جمله ویژگیهای عمومی بیشتر شرکتها چه شرکتهای فعال و چه شرکتهای دارای **فعالیتهای عملیاتی تازه‌تأسیس**[۱] است. کنترلهای کاری ناقص یا ناکافی ممکن است منجر به تقلب، زیان مشتریان و حتی توقف عملیات واحد تجاری شود. مدیران فعالیتهای عملیاتی و پروژه‌های تازه‌تأسیس بیشتر اوقات به‌دلیل آنکه دانشی در زمینه برخورد با ریسک کنترل ندارند و همچنین به‌دلیل نداشتن منابع کافی برای برخورد با ریسک کنترل و یا برطرف کردن نیاز به‌وجودآمده برای کنترل، با شکست مواجه می‌شوند و دغدغه مدیریت این است که چگونه به‌طور مؤثر و کارا بین نیاز به کنترلهای قوی با تقاضاهای هر روزه مرتبط با اداره واحد تجاری تعادل برقرار کند.

در این مقاله چارچوبهای شناخته‌شده در ایالات‌متحد برای ایجاد و ارزیابی کنترلهای داخلی در واحدهای تجاری مطرح شده است. این چارچوب‌ها به ترتیب عبارتند از: کنترل داخلی **کوزو** (COSO)- چارچوب یکپارچه، **مدیریت ریسک واحد تجاری**[۲]- چارچوب یکپارچه، **اهداف کنترلی برای اطلاعات و فناوری مربوط**[۳] و **خودارزیابی کنترلی**[۴]؛ که به‌طور مختصر تشریح خواهند شد.

کنترل داخلی کوزو - چارچوب یکپارچه (۱۹۹۲, ۲۰۱۳)

شـاید معمول‌تریـن چارچـوب کنترل داخلـی مورد اسـتفاده در ایالات‌متحـد را بتـوان چارچـوب مطرح‌شـده توسـط **کمیتـه سـازمانهای حامـی کمسـیون تـردوی**[5] (COSO, 1992) دانسـت. از زمان تصویب قانون ساربینز آکسـلی در سال ۲۰۰۲ (توسط مجلس نمایندگان امریکا)، حسابرسان مستقل و یا مدیران شرکت‌های سـهامی عام که سرمایه آنها به نرخ بازار بیش از ۷۵ میلیون دلار است، ملزم به ارزیابی ادواری اثربخشی کنترل‌های داخلی بر گزارشگری مالی هستند. قانون ساربینز آکسلی استفاده از معیارهـای ارزیابی را در ارزیابی کنتـرل داخلی الزامی می‌دارد. هرچند کـه قانون مذکور حکم و الزامـی در این‌باره صادر نکرده، ولی بیان مـی‌دارد که چارچوب کنترل داخلی کوزو به‌طور خاص، آن معیارهـا را مشـخص می‌کند و از این‌رو ایـن چارچوب به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته است (SEC, 2005).

ایـن چارچوب در سـال ۱۹۹۲ در پی درخواسـت نهادهایی چـون قانون‌گـذاران فـدرال (مثل کمیسـیون بـورس و اوراق بهادار) و **انجمن حسـابداران رسـمی امریکا**[6] توسـعه پیدا کرد و در سال ۲۰۱۳ نسـخه تکمیلی آن منتشر شد. چارچوب کنتـرل داخلی کوزو برای کمک به مدیران و شـرکتها به‌منظور ایجاد و ارزیابی سیسـتم‌های کنترل داخلی آنها طراحی شـده اسـت. این چارچـوب، فرایندهای طراحی‌شـده بـرای ایجاد اطمینـان منطقی در رسـیدن مدیریت بـه هدفهایی همچون کارایـی و اثربخشـی عملیات، اتکاپذیری گزارشـگری مالی و رعایت قوانین و مقررات کاربردی را مورد اشـاره قرار می‌دهد. **شکل ۱** چارچوب کنترل داخلی کوزو را نمایش می‌دهد.

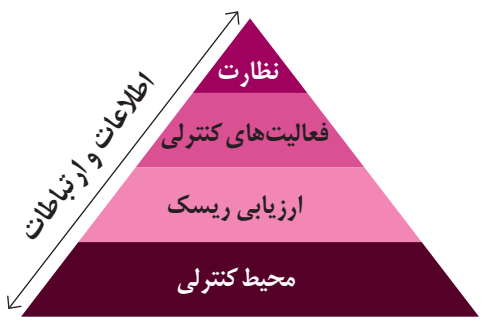

شکل ۱- چارچوب کنترل داخلی کوزو

طبق چارچوب کوزو (**شکل ۱**)، پایه و اساس سیستم کنترل داخلـی کارا، محیط کنترلی قوی به‌شـمار می‌آید که مفهوم آن داشـتن مدیریت و گروه راهبری سازمانی (مانند هیئت‌مدیره) است که متعهد به شایستگی، صداقت و ارزیابی مسئولیت‌های واگذارشـده در سیسـتم کنتـرل داخلی هسـتند. بـه عبارتی، محیط کنترلی اغلب با عنوان **ناظر مافوق**[7] شـناخته می‌شـود و به‌طور سـاده به این مطلب اشـاره دارد که چه تعـداد از افراد ورای سـازمان مراقب کنترل داخلی شرکت هستند. با استقرار زیربنا، مدیریت، ریسـکهایی را که مانع رسـیدن به هدفها در سـطح شرکت و فرایندها شـده‌اند ارزیابی می‌کند. برای مثال، اگر هدف رسـیدن به نرخ برگشت محصول از مشتری ۲ درصد تعریف شده باشد، این سئوال مطرح می‌شود که چه ریسکهایی می‌تواند مانع رسـیدن به این هدف شـود؟ این ریسکها ممکن اسـت دریافت کالاهای معیوب از فروشندگان، تولید نامناسب و نه چندان خوب و یا توزیع و حمل نادرست محصول باشند.

در مرحله بعدیِ چارچوب کوزو، فعالیتهای کنترلی در واکنش به ریسکهای شناخته‌شده طراحی می‌شوند. مدیریت در ابتدا باید تعیین کند که آیا ریسـکهای شناسایی‌شده بایستی انتقال یابد، حذف یا تقسیم شود، کاهش پیدا کند یا مورد پذیرش قرار گیرد. به عبارت دیگر، مدیریت نحوه برخورد با ریسـکها را مشخص می‌کند. در مثال مطرح‌شده در مورد برگشت محصول، **تسهیم**[8] ریسـک احتمالاً به معنی انجام توافقی با فروشنده شرکت مبنی بر اینکه هرگونه برگشـت از طرف مشـتری که مربوط به کیفیت محصـول توزیع‌کننده باشـد، هزینه آن به حسـاب توزیع‌کننده (فروشـنده) می‌باشـد. پرهیز یا اجتناب کردن از ریسـک نیز به معنی تصمیم به حذف محصول از خط تولید است. اگر مدیریت تصمیم به واکنش در برابر ریسکهای شناسایی‌شده گرفته باشد، پس به احتمال زیاد وظایف کنترل کیفیت را ایجاد می‌کند که این بخش خود به‌صورت سریع کالاهای دریافت‌شده از فروشندگان و توزیع‌کننـدگان را آزمایش و خروجـی محصول را نمونه‌گیری می‌کنـد. احتمال دارد کنترلهایی نیز در زمینه بازدید مجدد تمام سفارشـهای مورد درخواسـت مشـتری قبل از حمل کالا ایجاد شود.

ایجاد فعالیتهای کنترلی همچنین شـامل توجه به سیسـتم اطلاعـات کنترلهای عمومی (مانند امنیـت و تداوم فعالیتهای

تجـاری) و همچنیـن کنترل‌هـای کاربـردی (ماننـد پردازش اطلاعات) اسـت. پذیرش ریسـک نیز بدین معنی خواهد بود که مدیریت، هزینه ایجاد کنترل‌ها را تعیین و با هزینه برگشت به‌وسیله مشـتری مقایسـه کند و چنانچه صرفه نداشته باشد، راه‌حل دیگری انتخاب می‌شود.

بـه محض ایجـاد کنترل‌هـا، بـرای اطمینان از اثربخشـی عملیاتـی (کنترل‌هـای فعـال) و کارایی (کنترل‌هـای مقرون بـه صرفـه) باید فعالیتهـای کنترلی مـورد نظارت قـرار گیرد. فعالیتهـای نظارتـی ممکن اسـت شـامل ارزیابـی ادواری از اثربخشـی کنترلهـای داخلی به‌وسـیله مدیران، حسابرسـان داخلی و حسابرسـان مسـتقل و ارتباطات بین آن اشـخاص و هیئت‌مدیـره باشـد. جنبه مهم دیگر نظـارت، اطمینان یافتن از این اسـت کـه تغییر در خارج از شـرکت (رقبـا و مقررات) و در داخل شرکت (روشها و سیسـتم‌های خرید، تولید و توزیع) در تغییـرات موجـود در ارزیابی ریسـک و فعالیت‌های کنترلی منعکس می‌شوند.

چارچوب کنترل داخلی کوزو اهمیت کیفیت، به‌موقع بودن و اثربخشی اطلاعات و ارتباطات را مورد شناسایی قرار می‌دهد؛ اطمینان‌دهـی به اینکه تمام ریسـکهای بااهمیت شناسـایی، کنترل‌های داخلی مناسب ایجاد و کنترل‌هایی که برای نظارت تخصیص یافته، می‌تواند مسـئولیت‌های خـود را به‌طور مؤثر انجام دهد.

چارچوب کوزو بسیار گسترده است؛ درک این چارچوب بسیار آسان و برای هر دو نوع بخش، چه بخش‌های عملیاتی موجود و چـه بخش‌های تازه‌تأسـیس مناسـب اسـت. در این میان، قابلیت کاربرد آن نیز بـرای واحدهای تجاری پیچیده‌تر (برای مثـال، بخش‌های دارای فعالیتهای عملیاتی متعدد و سیسـتم داده پیچیده) تا حدی به دلیل وسـعت و گستردگی آن با تردید روبه‌روسـت. اجرای صحیح چارچوب کوزو بستگی به توانایی بـرای ایجاد یـک محیط کنترلی قـوی و رسـمی دارد. با این وجود، این چارچوب راهنمای پیاده‌سـازی و اجرای کنترل‌ها را در سطح بسیار کم ارائه می‌کند. نبود جزئیات راهنمای عمل در ارتباط با اجرا و پیاده‌سـازی چارچوب، ممکن اسـت اجرای آن را در بخش‌های عملیاتی تازه‌تأسـیس با مشـکل مواجه سازد و مدیران بخش‌ها در سـازمانها ممکن اسـت چارچوب کنترل داخلی کوزو را بـرای به‌کارگیری در بخش‌های عملیاتی خاص خود بسیار گسترده و یا پرزحمت تلقی کند.

انتشار چارچوب کوزو ۲۰۱۳

چارچـوب یکپارچـه کنتـرل داخلـی ۲۰۱۳ در ۱۴ مـی ۲۰۱۳ مشتمل بر ۱۴۰ صفحه منتشر شد (COSO, 2013) که شامل خلاصه ای از تغییرات انجام‌شـده نسـبت بـه چارچوب کنترل داخلی کوزو ۱۹۹۲ اسـت. تغییرات انجام‌شـده برای چارچوب ۱۹۹۲ از نوع تکمیلی است نه جایگزینی؛ به‌طوری که چارچوب ۲۰۱۳ تغییرات انجام‌شـده در محیط تجاری در ۲۰ سـال اخیر را نیز مدنظر قرار داده اسـت. با توجه به اینکه مدلهای تجاری به‌طور وسـیع تغییر کرده است از این‌رو نیاز به تکمیل چارچوب ۱۹۹۲ متناسـب با تغییرات جهانی در تجارت احساس می‌شد. مهمترین تغییر ایجادشـده در چارچـوب ۲۰۱۳، کدگذاری ۱۷ اصلی است که از پنج جزو از اجزای کنترل داخلی شامل محیط کنترلی، ارزیابی ریسک، و ... حمایت می‌کنند.

الزامهـای چارچـوب کـوزو ۲۰۱۳ بـرای داشـتن کنترلهای داخلی مؤثر به‌شرح زیر است: ۱- هریک از پنج جزو و ۱۷ اصل مربـوط باید فعال و به‌روز باشـند؛ و ۲- پنج جزو باید به‌صورت یکپارچه و با هم فعالیت کنند (KPMG LLP, 2013).

مدیریت ریسک واحد تجاری- چارچوب یکپارچه (۲۰۱۳, ۲۰۰۴)

بـا افزایش فعالیتهای تجاری، شـرکتها بایـد منتظر رویارویی با ریسـکهای جدید باشـند. یکی از مسائل اساسـی در زمینه ارزیابی عملکرد شـرکت، توان هیئت‌مدیـره در حوزه مدیریت ریسک اسـت. امروزه مدیران واحدهای تجاری دریافته‌اند که در اصل، ریسک خطری نیست که باید از آن اجتناب کرد، بلکه می‌تواند فرصتی به‌شمار آید که باید از آن استفاده کرد. ریسک ایجـاد فرصـت می‌کند و فرصـت ارزش را به‌وجـود می‌آورد و در نهایـت، ارزش باعث ایجاد ثروت برای سـهامدار می‌شـود (Soltani, 2007). به همین دلیل لازم اسـت شرکتها ریسک خود را مدیریت کرده و از فرصتها استفاده کنند.

مدیریت ریسک واحد تجاری چارچوب یکپارچه نیز در سال ۲۰۰۴ توسـط کوزو توسعه پیدا کرد و در سال ۲۰۱۳ تکمیل شد

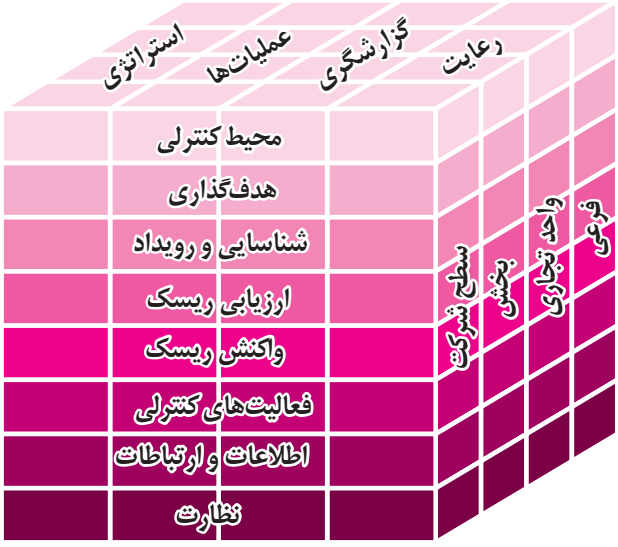

شکل ۲- چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری (Dickins et al., 2010)

(KPMG LLP, 2013). شکل مکعب مدیریت ریسک واحد تجاری ۲۰۱۳ همانند شکل ۲ نسبت به مکعب مدیریت ریسک واحد تجاری ۲۰۰۴ هیچ تغییری نکرده است. این چارچوب فرایندی برای کمک به شناسایی ریسکها با هدف ایجاد اطمینان منطقی در این باره است که یک شخصیت تجاری بتواند به هدفهای گزارشگری و مالی خود دست یابد. **شکل ۲** چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری را نمایش می‌دهد.

اجزای مدیریت ریسک واحد تجاری، مشابه چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو است. اجزای مدیریت ریسک واحد تجاری شامل محیط کنترلی است که به‌طور تقریبی مشابه با محیط کنترلی چارچوب یکپارچه کوزو است. مرحله دوم چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری، تعیین هدفهایی است که شامل تعیین نتایج تجاری مطلوب است. برای مثال، مدیریت ممکن است این‌گونه هدفگذاری کند: داشتن عملیات سودآور، داشتن محیط کار دوستانه، رعایت قوانین و مقررات، محافظه‌کار بودن از لحاظ مالی و یا شهرت یافتن که شرکت بهترین محل برای کار کردن است.

پس از هدفگذاری در چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری، شناسایی رویدادهای داخلی و خارجی آغاز می‌شود که مانع رسیدن واحد تجاری به هدفهای خود هستند. برای مثال تغییر در فناوری، ورود پیش‌بینی‌ناپذیر رقبا به بازار، تقلب کارکنان و یا تغییر نرخ بهره از عواملی هستند که می‌توانند در رسیدن شرکت به هدفهای خود، اثر معکوس بگذارند. سپس هر رویدادی بر حسب کنترل‌پذیری ریسک آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. آنگاه مدیریت واکنش ریسکهایی که به‌نظر کنترل‌پذیر می‌رسند تعیین خواهد کرد؛ به‌طور مثال، تسهیم ریسک یا کاهش آن با ایجاد کنترل‌های مناسب.

چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری همانند چارچوب کنترل داخلی کوزو، اهمیت کیفیت و منبع اطلاعات و ارتباطات را مورد شناسایی قرار داده و نظارت مستمر بر فرایندها را الزامی می‌دارد. تفاوت اولیه بین چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری و چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو، در نوع نگاه به سازمان است. نگرش چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو (در مقایسه با چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری) به سازمان از پایین به بالا و به‌عنوان واحدی یکپارچه است که دارای مجموعه‌ای یکپارچه از ریسکها است؛ در حالی که چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری این گونه می‌نماید که در تمامی سازمان یکپارچه بوده و بخش‌ها یا قسمت‌ها می‌توانند تا اهداف، ریسکها و واکنش‌های متفاوتی نسبت به ریسک‌ها داشته باشند. توجه به ریسک در هر دو سطح کلی، هم شرکت و هم بخش‌های مختلف یا سطح واحد، صورت می‌گیرد. در برخی موارد، احتمال دارد چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری با بسط چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو توصیف گردد و به‌طور خاص برای واحدهای تجاری پیچیده‌تر استفاده‌پذیر باشد.

چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری نیز همانند چارچوب یکپارچه کنترل داخلی کوزو، ممکن است در پیاده‌سازی فعالیتهای عملیاتی تازه تأسیس به‌دلیل ماهیت گسترده، پیچیدگی مورد مشاهده و نبود راهنمای عمل با مشکل مواجه شود. از سوی دیگر ممکن است، چارچوب مدیریت ریسک واحد تجاری به‌نظر برسد که برای ریسک‌های عملیاتی و نه فقط ریسکهای گزارشگری مالی کاربردی‌تر باشد. همچنین ممکن است به‌نظر برسد که برای

هدفها و ریسکهای سطح بخش‌ها و سطح یک قسمت از واحد تجاری، قابل استفاده‌تر از ریسکها و اهداف سطح کل واحد تجاری باشد.

هدفهای کنترلی برای اطلاعات و فناوری مربوط

هدفهای کنترلی برای اطلاعات و فناوری مربوط (کوبیت) در اصل به‌وسیله بنیاد کنترل و حسابرسی سیستم‌های اطلاعاتی (ISACA, 2012) توسعه پیدا کرد. روند تکاملی کوبیت نشان می دهد که اولین نسخه (CoBIT 1, 1996) به موضوع حسابرسی، دومین نسخه آن (CoBIT 2, 1998) به موضوع کنترل، سومین نسخه (CoBIT 3, 2000) به موضوع مدیریت، چهارمین نسخه (CoBIT 4, 2005, 2007) به موضوع حاکمیت فناوری اطلاعات و پنجمین نسخه کوبیت (CoBIT 5, 2012) به موضوع حاکمیت و مدیریت فناوری اطلاعات واحد تجاری پرداخته است. در ادامه، دو نسخه اخیر مورد بررسی قرار می گیرد.

اطلاعات براساس نظر کوبیت، منبع کلیدی تمام واحدهای تجاری است. اطلاعات ایجادشده، مورد استفاده قرار گرفته، ذخیره می‌شود و از بین می‌رود. در این فعالیتها فناوری نقش کلیدی دارد. فناوری در تمام جنبه‌های تجاری و زندگی شخصی فراگیر می‌شود. حال پرسش ابتدایی این است: وجود اطلاعات و فناوری برای واحدهای تجاری چه منافعی دربردارد؟ پاسخ این است که واحدهای تجاری و مدیران آنها با داشتن اطلاعات و فناوری می‌کوشند تا (ISACA, 2012):

- برای پشتیبانی از تصمیمهای تجاری خود اطلاعات باکیفیت نگهداری کنند.
- به‌واسطه سرمایه گذاری مبتنی بر فناوری اطلاعات، ارزش تجاری ایجاد کنند؛ یعنی به هدفهای راهبردی دست یافته و منافع تجاری خود را به‌واسطه استفاده مؤثر و نوآورانه از فناوری اطلاعات محقق کنند.
- از طریق به‌کارگیری مؤثر و اتکاپذیر به مزیت عملیاتی فناوری دست پیدا کنند.
- ریسک مربوط به فناوری اطلاعات را در یک سطح قابل قبول نگهدارند.
- بهای خدمات فناوری اطلاعات را بهینه کنند.

پرسش بعدی این است: این منافع چگونه می‌تواند در خدمت ایجاد و **خلق ارزش ذینفعان**[9] واحد تجاری قرار گیرد؟ خلق ارزش برای ذینفعان واحد تجاری، **مدیریت و حاکمیت**[10] مناسب نسبت به داراییهای استفاده از اطلاعات و فناوری را الزامی می‌دارد و شرط لازم برای رسیدن به این هدف این است که نخست، هیئت‌مدیره، مدیران و مدیر عامل واحدهای تجاری باید از فناوری اطلاعات همانند هریک از بخشهای مهم دیگر واحدهای تجاری استقبال کنند. دوم اینکه، الزامها و محدودیتهای خارج از واحد تجاری چه از لحاظ قانونی، چه مقرراتی و چه رعایت قراردادهای مربوط به استفاده واحد تجاری از اطلاعات و فناوری که در حال افزایش بوده و برای ایجاد ارزش نوعی تهدید محسوب می‌شوند، مورد شناسایی قرار گیرند.

چارچوب کوبیت پنج

کوبیت پنج چارچوب جامع ارائه می‌کند که واحدهای تجاری را در رسیدن به هدفها و توزیع ارزش به‌واسطه مدیریت و حاکمیت مؤثر از طریق فناوری اطلاعات توسط واحدهای تجاری، یاری می‌کند.

به بیان ساده، کوبیت پنج به واحدهای تجاری برای خلق ارزش بهینه مبتنی بر فناوری اطلاعات از طریق ایجاد تعادل بین تحقق منافع و بهینه کردن سطوح ریسک و استفاده از منابع کمک می کند. کوبیت پنج این توانایی را به اطلاعات و فناوری مربوط می‌دهد تا در قالب روشی کل‌نگرانه برای کل واحد تجاری با در نظرگرفتن مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته کل و حوزه‌های تخصصی مسئولیت و همچنین در نظر گرفتن منافع مربوط به ریسک ذینفعان داخلی و خارجی مدیریت شده و سامان یابند.

به‌طور کلی، کوبیت پنج چارچوبی است شامل **اصول**[11] و **توانمندسازها**[12] که جنبه عمومی و کلی دارند و برای واحدهای تجاری با توجه به نوع و اندازه، واحدهای انتفاعی و واحدهای غیرانتفاعی در بخش عمومی، مفید هستند.

اصول پنجگانه کوبیت پنج:

۱- براوردن نیازهای ذینفعان،
۲- پوشش به‌هم‌پیوسته واحدهای تجاری،
۳- به‌کارگیری یک چارچوب یکپارچه واحد،
۴- توانمند کردن یک رویکرد کل‌نگر، و
۵- تفکیک حاکمیت از مدیریت.

توانمندسازهای هفتگانه کوبیت پنج:

۱- فرهنگ، رفتار و اخلاق،
۲- ساختارهای سازمانی،
۳- فرایندها،
۴- اصول، رویه‌ها و چارچوبها،
۵- افراد، مهارتها و شایستگی‌ها،
۶- ایجاد و به‌کارگیری زیرساختهای خدمات، و
۷- اطلاعات.

به‌طور خلاصه، کوبیت پنج از پنج اصل و هفت توانمندساز تشکیل شده که اصول پنجگانه آن به واحدهای تجاری این اجازه را می‌دهد تا چارچوبی مدیریتی و حاکمیتی مؤثر بر مبنای یک مجموعه کلی‌نگر متشکل از هفت توانمندساز را بنا نهند به‌طوری که این هفت توانمندساز، سرمایه‌گذاری در اطلاعات و فناوری را بهینه نموده و از آنها در جهت منافع ذینفعان استفاده می‌کند.

شکل ۳- چارچوب کوبیت ۴ (Dickins et al., 2010)

چارچوب کوبیت چهار

نسخه چهارم کوبیت (CoBIT 4, 2005, 2007) با موضوع حاکمیت فناوری اطلاعات توسعه پیدا کرد. هدف چارچوب کوبیت چهار به‌طور گسترده ایجاد تعادل در ریسکهای فناوری اطلاعات و کنترلهای کاربردی برای سیستمهای اطلاعاتی وسیع واحد تجاری است. کوبیت چهار بیشتر از مقررات و استانداردهای پذیرفته‌شده در سطح جهان برای فناوری اطلاعات استفاده کرده است (مانند سازمان استانداردهای بین‌المللی، کوزو، انجمن حسابداران رسمی امریکا، **انجمن حسابرسان داخلی**[۱۳]، **اتاق پاسخگویی دولتی**[۱۴]). **شکل ۳** چارچوب کوبیت را نمایش می‌دهد.

کوبیت چهار یک حوزه و چارچوب فرایند (پروسه) را برای کنترلها فراهم می‌آورد. این چارچوب شامل مجموعه‌ای وسیع از فرایندهای فناوری اطلاعات (همانند سیستم‌های فروش، حسابهای پرداختنی) و چهار حوزه اولیه شامل طراحی و سازماندهی، خرید و اجرا، توزیع و پشتیبانی و نظارت و ارزیابی است. پشتیبانی فرایندهای فناوری اطلاعات دارای فعالیتهای کنترلی با جزئیات چندگانه بیشتر برای اجرای مؤثر می‌باشند. چارچوب کوبیت همچنین به هدفهای اطلاعاتی خاص نظیر کیفیت و امنیت اطلاعات، هم‌راستایی و هم‌ترازی آن با استراتژی بازرگانی واحد تجاری (یعنی نقش امانت‌داری) اشاره دارد.

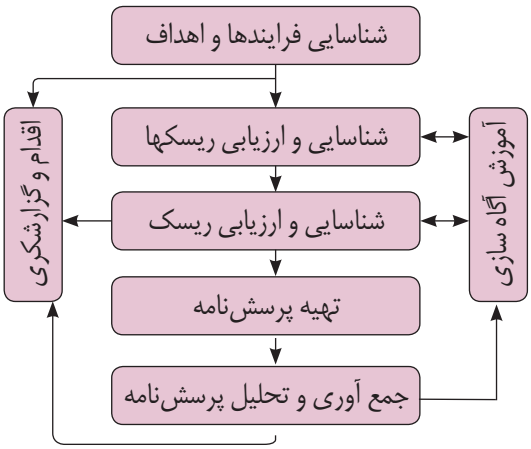

شکل ۴- خود ارزیابی کنترلی (ISACA, 2012; Dickins et al., 2010)

سازمانهایی که کوبیت چهار را به‌کار می‌برند به‌طور معمول سیستم‌های فناوری اطلاعات پیچیده‌ای دارند که ریسک را افزایش می‌دهد و شکست چنین سیستم‌هایی، منجر به ناتوانی مدیریت در رسیدن به هدفهای گزارشگری مالی و استراتژی‌های تجاری آنها می‌شود؛ چنانکه گویی چارچوب کوبیت چهار، نه چارچوب کاربردی برای فعالیتهای عملیاتی تازه تأسیس و نه بخشهای عملیاتی انفرادی محسوب می‌شود (یعنی برای هیچکدام مؤثر نیست).

خودارزیابی کنترلی

خودارزیابی کنترلی[۱۵] بیشتر راهبردی اجرایی است تا چارچوبی واحد. این مفهوم به‌طور رسمی از سوی انجمن حسابرسان داخلی برای شناسایی فرایندهای کسب‌وکار و ایجاد فرایندها و کنترل‌ها و برای توجه مؤثر و کارامد به ریسکهای مرتبط با فرایندهای کسب‌وکار مطرح شد (Tritter and Campbell,1996). خودارزیابی کنترلی به‌سادگی با بخش‌ها یا واحدهای تجاری سازگار می‌شود و مالکان فرایندها را تشویق می‌کند تا مسئولیت رسیدن به هدفها را بر عهده گیرند. **شکل ۴** این چارچوب یا راهبرد را نشان می‌دهد. اجزای خودارزیابی کنترلی با چارچوبهای کنترل داخلی مورد بحث در بالا (هدفهای کنترلی برای اطلاعات و فناوری مربوط، مدیریت ریسک واحد تجاری، کمیته سازمانهای حامی) سازگار است. چارچوبهای ذکرشده مجموعه‌ای از هدفها و استانداردها را برای فرایندهای تجاری مشخص می‌سازند و خودارزیابی کنترلی لزوماً بر این استانداردها نظارت می‌کند.

خودارزیابی کنترلی روشی برای اطمینان‌دهی درباره سیستم کنترل داخلی سازمان یک سیستم اتکاپذیر است. خودارزیابی کنترلی یک روش‌شناسی است؛ چراکه کارکنان، هدفها و فرایندهای کلیدی کسب‌وکار را بررسی و ریسکها را شناسایی و کنترل‌های موجود برای کاهش ریسکهای مشابه را ارزیابی می‌کنند. به عبارت ساده‌تر، خودارزیابی کنترلی عبارت از «**حفاظت پیشگیرانه‌ای**[۱۶]» است که به‌وسیله آن برای تغییر مسائل یک بررسی از کنترل‌ها به‌صورت ادواری بالقوه انجام و هرگونه مسئله مهم قبل از آنکه به وقوع بپیوندند، گزارش و نمایان می‌شوند.

خودارزیابی کنترلی نظارت بر ریسکها و کنترل‌های موجود را به‌وسیله کسب اطلاعات درباره واحدهای تجاری از کارکنان و مدیرانی که از عملیات روزانه آگاهی دارند، به‌دست می‌آورد. این اطلاعات به‌طور معمول از طریق پرسش‌نامه‌ها، بررسی‌ها و جلسه‌های سخنرانی برگزارشده به‌دست می‌آیند (Tritter, 2000). جلسه‌های سخنرانی بیشتر اوقات برای موفقیت خودارزیابی کنترلی مهم تلقی می‌شوند؛ زیرا این جلسه‌ها به کارکنان کمک می‌کند تا درک بهتری از ریسکهای تجاری و کنترل‌های داخلی به‌دست آورده و آنان را به ارزیابی و یا حتی طراحی کنترل‌ها وادار می‌کند. یک محصول فرعی مطلوب این فرایند، افزایش مسئولیت پاسخگویی است؛ چراکه کارکنان مالکیت کنترل‌ها را بیشتر احساس می‌کنند.

یکی دیگر از جنبه‌های مهم خودارزیابی کنترلی این است که این چارچوب به‌نوعی «برگزیده کارکنان» است. جنبه کلیدی آن این است که کارکنان این ابزار را وسیله‌ای برای بهبود محیط کاری‌شان می‌دانند و هرگونه ضعفی باید شناسایی و تثبیت شوند. اگر کارکنان معتقد باشند که به سبب شناسایی مشکلی، نتیجه منفی به‌عمل می‌آید، خودارزیابی کنترلی با شکست مواجه می‌شود. بنابراین خود ارزیابی کنترلی باید برای کارکنان به‌طور مثبت تنظیم شود و نباید به‌عنوان کار اضافی به‌وسیله کارکنان مورد توجه قرار گیرد.

انعطاف‌پذیری و راهنمای عمل خودارزیابی کنترلی که به‌وسیله انجمن حسابرسان داخلی تهیه شده، به‌طور ساده آن را با انواع مختلف سازمان‌ها سازگار می‌سازد و حتی واحدهای تازه‌تأسیس می‌توانند از خودارزیابی کنترلی برای تعیین اینکه آیا ریسکهای تجاری به‌طور مناسبی شناسایی و مشخص شده‌اند، استفاده کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله خلاصه‌ای از چارچوبهایی که به‌وسیله سازمانهای تجاری برای ایجاد و ارزیابی کنترل‌های داخلی مورد استفاده قرار می‌گیرد و همچنین پروژه خودارزیابی

کنترلی، ارائه شده است.

نگرانی‌های به‌وجودآمده بعد از تقلب در شرکت انرون، همگان را بـه تفکر درباره نظارت هرچه بیشـتر بر شـرکت‌ها وادار کرده اسـت. در ایالات‌متحد، تصویب قانون ساربینز آکسلی پاسخی بـه انتظارهای عموم برای کنترل شـدیدتر و سـخت‌گیرانه‌تر بر شرکت‌های سهامی عام به‌منظور جلوگیری از تقلب بوده است. هرچند سابقه ارائه چارچوبهای پیشنهادی از سوی برخی کشورها جهت ایجاد و ارزیابی کنترل‌های داخلی به قبل از ورشکستگی انرون برمی‌گردد، ولـی با وقوع تقلبهای بزرگ در نقاط مختلف دنیـا، لزوم طرح این چارچوبها را در سراسـر دنیا فراگیرتر کرده؛ به‌گونه‌ای که در کانادا، انگلیس و کشورهای دیگر، این چارچوبها ارائه شده است. در ایالات‌متحد، طرح چارچوبهای متعدد شامل کنترل داخلی کوزو- چارچوب یکپارچه، مدیریت ریسـک واحد تجـاری- چارچوب یکپارچه، هدفهای کنترلی برای اطلاعات و فناوری مربوط و خودارزیابی کنترلی نشان از اهمیت دادن به این موضوع بسـیار مهم است. امروزه وجود چنین چارچوب کنترلی به‌شدت احساس می‌شود؛ زیرا تاکنترل نباشد، رسیدن به هدف تعیین‌شده تا حد زیادی دور از دسترس خواهد بود.

پانوشتها:

1- Start-up Operations
2- Enterprise Risk Management
3- Control Objectives for Information and Related Technology (CoBIT)
4- CSA
5- Committee of Sponsoring Organizations (COSO) of the Treadway Commission
6- American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)
7- Tone of the Top
8- Sharing
9- Stakeholder Value
10- Governance and Management
11- Priniciples
12- Enablers
13- Institute of Internal Auditors (IIA)
14- Government Accountability Office (GAO)
15- Control Self Assessment (CSA)
16- Preventative Maintenance

منابع:

• CoBIT 1, **Framework of COBIT Release in 1996**, Available at: www.isaca.org/knowledge center/cobit, 1996
• CoBIT 2, **Framework of COBIT Release in 1998**, Available at: www.isaca.org/knowledge center/cobit, 1998
• CoBIT 3, **Framework of COBIT Release in 2000**, Available at: www.isaca.org/knowledge center/cobit, 2000
• CoBIT 4, **Framework of COBIT Release in 2005**, Available at: www.isaca.org/knowledge center/cobit, 2005
• CoBIT 5, **Framework of COBIT Release in 2013**, Available at: www.isaca.org/knowledge center/cobit, 2013
• COSO, **Internal Control — Integrated Framework**, Available at: www.coso.org, 1992, 2013
• Committee of Sponsoring Organization of the Treadway Commission (COSO), **Internal Control-Integrated Framework**, Retrieved October 6, 2010 From www.Coso.org, 1992
• Dickins E.D., M. Ohara, J. Reisch, **Framework for establishing and Evaluating Internal Controls: a Primer & Case Study**, Journal of Case Research in Business and Economics, November 2010
• ISACA, **COBIT 5 A Business Framework for the Governance and Management of IT**, ISACA. http://www.isaca.org/cobit/Pages/CobitFramework.aspx, 2012
• KPMG LLP, **COSO Internal Control – Integrated Framework (2013)**, Final –New-COSO-2013
• Securities and Exchange Commission (SEC), **Statements of SEC Cheif Accountant Donald Nicolaisen and Corporation Finance Division Director Alan Beller Regardin New Coso Guidance onn Section 404 Compliance (October 26)**, Retrieved October 3, 2010 From http://www.sec.gov/news/press/2005-153. htm, 2005
• Soltani B., **Auditing, an International Approach**, Financial Times Prentice Hall, Chapter 11, 2007
•Tritter R., **Control Self- Assessment: A Guid to Facilitation-based Consulting**, Newyork: Wiley, 2000
• Tritter R. & L.A. Campbell, **Control Self Assessment: Experience, Current Thinking, and Best Practices,** Florida: Institute of Internall Auditors Research Foundation, 1996